

عنوان مقاله:

شکوفایی اقتصادی با رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی نوآوری، رشد و توسعه در مدیریت، حسابداری و علوم انسانی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

شقایق زهرایی - کارشناسی ارشد حسابداری، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی حسن نژاداناری - کارشناسی ارشد حسابداری، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

اصطلاح اقتصاد نئوکلاسیک اولین بار توسط ویلن به علم اقتصاد معرفی شد و مراد از آن همان تفکرات مارژینالیستی حاکم در دهه های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. هرچند ویلن روی خوشی به این پارادایم نشان نداد ولی از این اصطلاح برای اشاره به پیشرفت های علمی که توسط گروهی از اقتصاددانان در آن زمان انجام شده بود استفاده کرد. سرشناس ترین این گروه از اقتصاددانان افرادی همچون آلفرد مارشال و ویلیام استنلی جونز هستند. در سنت فکری اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد علمی است که به مطالعه و بررسی رفتار انسانی در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق ابزارها و منابع کمیاب می پردازد. اقتصاد نئوکلاسیک برای تحلیل این مسئله از مدلی بهره گرفت که مبتنی بر مفهوم عرضه و تقاضاست. عرضه و تقاضا از ترجیحات ذهنی تقاضاکنندگان و عرضه کنندگان به دست می آیند و قیمت ها را تعیین می کنند. در واقع، اقتصاد نئوکلاسیک به منظور فرار از نظریه ارزش عینی کلاسیک ها دست به دامن رجحان های ذهنی برای تعیین قیمت ها شد. بر طبق نظریه ارزش عینی، ارزش کالاها توسط یک کالای پایه یا نیروی کار به کار رفته در تولید آن تعیین می شود. اقتصاددانان نئوکلاسیک امیدوار بودند که با کنار گذاشتن ارزش عینی بتوانند اقتصاد را بر یک مبنای علمی تر استوار سازند. یعنی اقتصاد را به عنوان نظریه ای از رفتار انسان مطرح سازند که توصیفات و پیش بینی های خوبی ارائه می دهد. هرچند این تلاش ها در ابتدای امر پیشرفت های خوبی به حساب آمدند، لیکن بعد از مدتی چنان رنگ و بوی انتزاع به خود گرفتند که گویی به هرچیز می مانند به جز نظریه ای در خصوص رفتار انسان

کلمات کلیدی:

اقتصاد، اقتصاد نئوکلاسیک، مارژینالیست، ارزش عینی، عرضه و تقاضا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1930705>

